

بررسی جایگاه بوم‌گرایی تفسیری در طراحی بناهای میان‌افزا در بافت تاریخی شهر دزفول

با استفاده از روش آنتروپی-تاپسیس^۱

بهناز صفرعلی نجار - کارشناس ارشد معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه صنعتی جندی‌شاپور دزفول، ایران. I.

کوروش عطاریان* - استادیار، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه صنعتی جندی‌شاپور دزفول، ایران.
کوروش مؤمنی - دانشیار، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه صنعتی جندی‌شاپور دزفول، ایران

چکیده

Investigating the Place of Interpretive Vernacularism in Designing Infill Buildings in The Historical Context of Dezful By Entropy-TOPSIS Method

Abstract

Historical centers of urban formation are known as a collection of tangible and intangible heritage of any society, but on the one hand the importance and need for intra-textural development and the design of infill buildings in the historical context of cities, the destruction caused by the passage of time and on the other hand the gradual elimination or change of performance of some buildings, but if this is done in an unbalanced way, regardless of the context and hasty, leads to inconsistency and The old urban fabric is damaged. Due to the need for urban development, the city of Dezful, with its living historical urban fabric, like other historical cities, is in danger of achieving intermediate development. This study aims to investigate the preferred strategy of architecture, urban planning, and restoration specialists for the design of infill buildings in the historical context of Dezful so that it can be a guide for experts in infill and specific designs in this city. To this end, the study was conducted in one of the oldest neighborhoods in the city.

The research method of this research is interpretive. Also, information was collected through documentary and field studies (questionnaire), and questionnaire has been analysis by entropy-topsis method. The statistical population of this research is ۱۵ faculty members in the fields of urban planning, architecture and restoration of Jundi-Shapur University of Technology in Dezful. The results show that coherence, close relationship, meaningfulness, pleasantness, innovation and finally complexity in the order of priority of components among the three disciplines of architecture, urban planning and restoration among professionals and on the other hand the importance of contextual attention. And the context in historical contexts, as well as the tendency of people to live in modern spaces in today's world, raises the need to determine the place of a neo-vernacularism, that is, interpretive vernacularism in infill designs.

Key Words: Infill Design, Design in the historical urban contexts, Interpretive Vernacularism, Dezful city, Entropy-Topsis method

بافت‌های تاریخی شهرها به‌عنوان مجموعه‌ای از میراث ملموس و ناملموس از هر جامعه شناخته می‌شوند، اما فرسودگی و تخریب‌های ناشی از گذر زمان و از سوی دیگر، حذف تدریجی و یا تغییر عملکرد بعضی بناها در بافت‌های تاریخی، اهمیت و نیاز به توسعه‌های درون بافتی و طراحی بناهای میان‌افزا را مطرح می‌سازد. شهر دزفول با داشتن بافت تاریخی شهری زنده، همانند سایر شهرهای تاریخی با مخاطراتی جهت دستیابی به توسعه‌های میان‌افزا روبه‌رو است. هدف از این پژوهش بررسی استراتژی ترجیحی متخصصان معماری، شهرسازی و مرمت برای طراحی بناهای میان‌افزا در این شهر می‌باشد. روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش به صورت توصیفی-تحلیلی، و جمع‌آوری اطلاعات به صورت پیمایشی و از طریق تحلیل از طریق آنتروپی-تاپسیس است. همچنین اطلاعات به دو طریق مطالعات اسنادی و میدانی (پرسشنامه) جمع‌آوری شده است. جامعه آماری این تحقیق ۱۵ نفر هیئت علمی رشته‌های شهرسازی، معماری و مرمت دانشگاه صنعتی جندی‌شاپور دزفول می‌باشند. نتایج نشان می‌دهد که انسجام، ارتباط نزدیک، معنادار بودن، دلپذیر و خوشایند بودن، نوآوری و درنهایت پیچیدگی در زمینه ترتیب اولویت مؤلفه‌ها در میان سه رشته معماری، شهرسازی و مرمت در میان متخصصان است و از طرف دیگر اهمیت توجه بستر و زمینه در بافت‌های تاریخی و همچنین گرایش افراد به زندگی در فضاهای مدرن در دنیای امروز، نیاز به تعیین جایگاه رویکردی نوین در بوم‌گرایی، یعنی بوم‌گرایی تفسیری را در طراحی‌های میان‌افزا مطرح می‌کند.

واژگان کلیدی: طراحی میان‌افزا، طراحی در بافت‌های تاریخی، بوم‌گرایی تفسیری، شهر دزفول، آنتروپی-تاپسیس

۱- این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد بهناز صفرعلی نجار با عنوان "طراحی باغ‌موزه آب در شهر دزفول با رویکرد بوم‌گرایی تفسیری" در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه صنعتی جندی‌شاپور دزفول به راهنمایی آقای دکتر کوروش عطاریان و مشاوره آقای دکتر کوروش مؤمنی می‌باشد.

۱. مقدمه

قبل از توسعه صنعتی، شهر مجموعه‌ای در رابطه با میزان برخورداری از موهبت‌های بوم‌شناختی زمینه خود بود (عبدالحمیدی و دیگران، ۱۳۹۸، ۲۵۶). بنابراین از جمله میراث شهری هر منطقه، بافت و معماری بومی آن است. بافت‌های کهن به دلایل متعددی از قبیل اتفاقات تاریخی، سکونت شخصیت‌ها، خاطرات شهروندان، ارزش‌های معماری خاص و... از ارزش فرهنگی فراوانی برخوردار می‌باشند (رفیعیان، بمانیان و رفیعیان، ۱۳۹۰). امروزه بافت تاریخی و بومی شهرها، اغلب به دلیل فرسودگی به فراموشی سپرده شده‌اند و برای پیوند آن با شهر امروز، بازگرداندن هویت و سرزندگی و رسیدن به کیفیت مطلوب شهری، باید از ساختارهای جدید و میان‌افزا به‌عنوان پروژه‌های محرک توسعه استفاده کرد. امروزه توسعه میان‌افزای شهری رویکرد مناسب و شناخته شده‌ای است (عبدالحمیدی و دیگران، ۱۳۹۸، ۲۵۶؛ صارمی، ۱۳۹۲، ۲۹۹؛ ملکشاهی و دیگران، ۱۳۹۷، ۱۳۰). هرساله سطح وسیعی از بافت‌های تاریخی و بومی شهرها به دلایل و در ابعاد مختلف تخریب و مجدداً ساخته می‌شوند. با این وجود، افزودن ساختارهای معاصر در یک محیط تاریخی موضوعی جدید نیست، اما ارائه آن به‌عنوان روشی برای توسعه کارآمد شهری، در قرن ۲۰ میلادی مطرح و در آن بر الزام استفاده حداکثری از امکانات موجود داخل بافت شهری تأکید شد (قره‌بگلو و دیگران، ۱۳۹۸: ۵۸) و علاوه بر آن، مسأله اساسی در این امر، کیفیت توسعه میان‌افزا در زمینه تاریخی موجود است اما امروزه به دلیل فقدان هدایت لازم، به یکی از تهدیدهای جدی در بافت‌های تاریخی تبدیل شده است. رشد و توسعه بافت‌های تاریخی و طراحی در اینگونه زمینه‌ها که دارای اهمیت فراوانی به لحاظ بوم‌گرایی و حفظ آن می‌باشند، حساسیت طراحان، معماران و متخصصین شهری را می‌طلبد.

ساخت بناهای جدید در زمینه‌های تاریخی-بومی امری بسیار پیچیده است؛ چرا که اینگونه بناها از آن جهت که ساختارهایی جدید در درون بافت تاریخی هستند، باید روح زمان حاضر را القا و بیان کنند. اما در عین حال، طرح آنها باید ساختار بومی را که در زمینه آن قرار گرفته، موردتوجه قرار دهد (نائینی و سهیلی، ۱۳۹۸: ۱۱۲). متأسفانه در معماری معاصر، مبانی نظری و رویکردهای اصولی طراحی بناهای میان‌افزا در بافت

و زمینه‌های تاریخی مورد بیمه‌ری بوده است (مسعود، ۱۳۹۱، ۶۱). لذا تبیین ابعاد میان‌افزایی در بافت تاریخی با توجه به اهمیت بوم‌گرایی در سال‌های اخیر، نیازمند حوزه‌های شهرسازی، معماری و مرمت است. با درک ضرورت موضوعی پژوهش در روش‌ها و فنون طراحی میان‌افزا در بافت‌های تاریخی، به‌کارگیری اسناد هدایت شهری می‌تواند زمینه‌ساز دستیابی به کیفیت مطلوب توسعه‌های میان‌افزا متناسب با بافت تاریخی باشد. در این پژوهش به بررسی راهبرد معماران و متخصصان مرمت و شهرسازی برای طراحی بناهای میان‌افزا پرداخته شده است. هدف اصلی تحقیق نیز یافتن الگویی طبق راهکارهای پیشنهادی متخصصان در بافت تاریخی شهر دزفول از دیدگاهی بوم‌گرایانه است که بتواند مبنایی برای ارزیابی میان‌افزایی در بافت تاریخی شهر دزفول باشد. همچنین این الگو می‌تواند در مسیر برنامه‌دهی به‌منظور توسعه و رونق اقتصادی و صنعت گردشگری و همچنین طراحی مدنظر قرار گیرد. این پژوهش با نگرشی تفسیری به بررسی معماری میان‌افزا پرداخته می‌شود تا به نتایج بنیادی در مطالعات و همسو با تغییرات بافت‌های تاریخی با مسأله تغییراتی که ناشی از تأثیر دنیای امروز بر بافت‌های تاریخی است، دست یابد. یکی از مهمترین مؤلفه‌های معماری بوم‌گرا (چه به صورت سنتی و چه نوین)، بستر و زمین‌های است که مولد این معماری است. در پژوهش حاضر مؤلفه‌های شناختی در دو بعد کالبدی-فیزیکی و هویتی-معنایی در بافت قدیمی شهر دزفول بررسی شده‌اند.

۲. پیشینه تحقیق

پیشینه تحقیق در ارتباط با این موضوع را به صورت کلی می‌توان در دو بخش الف) زمینه و بوم‌گرایی و ب) بافت تاریخی و میان‌افزایی تقسیم نمود. در برخورد با بافت‌های تاریخی، دیدگاه‌ها و انتخاب‌های مختلفی وجود دارد. انتخاب مناسب الگوهای میان‌افزا در بافت‌های تاریخی مستلزم نگاه به گذشته و ویژگی‌هایی است که به صورت مستمر منجر به شکل‌گیری بافت‌ها شده‌اند. برخی از مؤلفه‌هایی که باعث تفاوت این دیدگاه‌ها می‌باشند عبارتند از هویت، رعایت همگونی و هماهنگی با بناهای مجاور به لحاظ فرمی، کاربرد فرم‌های ناهماهنگ با بافت تاریخی و غیره که در جدول شماره ۱، به برخی از پژوهش‌های مرتبط اشاره شده است.

جدول (۱): پژوهش‌های مرتبط با زمینه‌گرایی و بوم‌گرایی

| زمینه‌گرایی و بوم‌گرایی | |
|--|---|
| توجه به نمونه‌های سنتی فضای شهری به صورت فرمال و مفهومی و تأکید بر جنبه‌های انسانی. | راجر ترانسیک (۱۹۸۶) |
| عدم وجود یک استراتژی مناسب برای مدیریت توسعه، چالش‌هایی را برای توسعه آتی فراهم نموده که این موضوع ضرورت تدوین یک استراتژی جامع برای مدیریت را نمایان می‌سازد. | محمدرضا بمانیان، آیلار کلوی و حسین اشکوه (۱۳۹۱) |
| به بررسی ضعف ساختاری نظریه‌ها با تجربیات پرداخته است. | هومن فروغمند اعرابی، مریم خبازی و هوشنگ فروغمند اعرابی (۱۳۹۵) |
| شناخت معماری بومی و ارائه راهکارهایی به‌منظور طراحی فضایی با کیفیت و هویت | اسماعیل ضرغامی و سیده اشرف سادات (۱۳۹۶) |
| استفاده از راهکارهای مختلف در راستای حفظ ارزش‌های بومی و شناساندن آن به مردم و استفاده از آنها در معماری امروز | زهره خوش اندام، وحید وزیری و توحید حاتمی خانقاهی (۱۳۹۷) |
| در راستای واکاوی ناهماهنگی بناهای میان‌افزا در بافت تاریخی شهر ایرانی-اسلامی و نقد زمینه‌گرایی موجود گام برداشته است | سیده الهام علوی نژاد، سید غلامرضا اسلامی و فرح حبیب (۱۳۹۷) |
| ریشه‌های مشترک را در مؤلفه‌های بومی‌سازی فرهنگ در معماری گذشته ایران میافته که با به‌کارگیری آنها می‌توان در ارتقای حس تعلق به مکان فضاهای امروزی مؤثر واقع شود. | غلامرضا علی محمدی و رکسانا عبدلهی (۱۳۹۷) |

مباحث و مطالعات مرتبط با بوم‌گرایی و زمینه‌گرایی از دهه ۶۰ میلادی مطرح شد و که در مورد الحاق اجزای جدید به شکل شهر بحث می‌کند (برولین، ۱۳۸۳). افرادی از قبیل ریچارد هدمن (۱۹۸۴) به ارتباط بصری بین ساختمان موجود و طرح پیشنهادی پرداخته و افرادی مانند کالین رو (۱۹۷۵) ترکیب ویژگی‌های فضایی شکلی شهر سنتی و معاصر را پیشنهاد داده‌اند. کاپن (۱۹۹۹) اطلاعات زمین‌های (فرمی، انسانی، بصری) را جهت طراحی در زمینه مطرح می‌کند (پاکزاد، ۱۳۹۰: ۴۲۶-۴۶۱؛ به نقل از علوی زاده، اسلامی و دیگران، ۱۳۹۷: ۷۰). در جدول شماره ۲ به برخی پژوهش‌های مرتبط با بافت تاریخی و میان‌افزایی اشاره شده است.

جدول (۲): پژوهش‌های مرتبط با بافت تاریخی و میان‌افزایی

| بافت تاریخی و میان‌افزایی | |
|--|---|
| ارزیابی انواع طرح‌های توسعه بافت قدیم و دوگانگی در طرح‌های بهسازی بافت قدیم | محمدتقی رهنمایی و پروانه شاه‌حسینی (۱۳۸۳) |
| بررسی نظریه‌ها و شخصیت‌ها و تجربه‌های نوسازی از گذشته تا به امروز در سطح جهان و بررسی تجارب علمی در ایران. | علیرضا عندهلیب (۱۳۸۹) |
| این پژوهش بیانگر این امر است که بافت‌های فرسوده با کمبود زیرساخت‌های فیزیکی مواجه هستند. | غلامرضا ملک‌شاهی، صدیقه لطفی و مهدیه مهدوی (۱۳۸۹) |
| بالاترین قابلیت توسعه، مربوط به محدوده‌هایی است که بیشترین مشکلات را از لحاظ شاخص‌های کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی دارند و پلاک‌هایی که از لحاظ ضوابط و قوانین منطقه‌بندی شرایط مناسبی دارند، دارای بیشترین ظرفیت توسعه‌اند. | مجتبی رفیعیان، ناصر براتی و مرضیه آرام (۱۳۸۹) |
| پویاسازی و احیا بافت‌های تاریخی با استفاده از پتانسیل‌های بافت‌های تاریخی. | حسین اسمعیلی سنگری (۱۳۹۳) |
| شاخص‌های معماری بومی بافت قدیم قرارگاه رفتاری اجتماعی همواره بر میزان سرزندگی افراد مؤثر هستند. | حمیدرضا باحقیقت منگودهی، رضا پرویزی، امیررضا کریمی آذری و سیده نمازی چوکندان (۱۳۹۴) |
| شناخت مؤلفه‌های کالبدی، کارکردی و هویتی، هم در جهت مداخله در بافت‌های تاریخی و هم در جهت تمعیم انگارهای آن به سایر بخش‌ها حائز اهمیت‌اند. شکل‌گیری و حیات بافت‌ها در تداوم تاریخی، فرهنگی، اجتماعی، و محیطی به صورتی منسجم و هماهنگ عیان گردیده است. | رقیه عطایی و محمدرضا پورمحمدی (۱۳۹۴) |

| | |
|--|---|
| با وجود اینکه بهترین ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی، تاریخی و معماری هر شهر در آن نهفته است اما به نظر می‌رسد بیشترین مشکلات مرتبط با بافت قدیم شهر در ایران ناشی از عدم شناخت دقیق ماهیت آن و عدم تلاش برای تطبیق آن ماهیت با شرایط معاصر می‌باشد. | میرسعید موسوی، حمید ماجدی و فرح حبیب (۱۳۹۵) |
| معیارهای اولویت‌دار تلفیقی - بومی به ترتیب شامل: برنامه‌ریزی هماهنگ با محیط طبیعی، ترکیب و تنوع کاربری‌ها، پیاده‌مداری، توزیع عادلانه کاربری‌های خدمات اجتماعی - فرهنگی و... از ضروریات برنامه‌ریزی توسعه شهری هستند. | حمیدرضا تلخابی، علی شمعی، زهره داودپور، اصغر شکیبایی (۱۳۹۵) |
| توسعه میان‌افزا در بافت‌های تاریخی باید هم پیوند با زمینه آن باشند. | مسعود قادریان (۱۳۹۶) |
| تحلیل نشانه شناختی در گذشته و معاصر، مشخص می‌کند که چگونه لایه‌های مختلف و سازنده بافت سنتی، ارتباطی هم‌افزا و بافت‌ساز و بالعکس در معاصر، برهم خوردن ارتباط لایه‌های رمزگان، اعم از اجتماعی- فرهنگی، کارکردی، زیبایی‌شناختی، معنایی و... انسجام زدایی و اغتشاش سامانه بافت را موجب شده است. | علیرضا غفاری (۱۳۹۶) |
| معماری و بناهای تاریخی، نشانگر ظرفیت‌های فراوان در توسعه گردشگری میراث فرهنگی هستند. اما میان ظرفیت‌ها و سطح توسعه یافتگی گردشگری فاصله است. | محمدحسن زال، مهدی رضانی لسبونی و امین اسماعیلی (۱۳۹۷) |
| معماری میان‌افزا در نگرش میان‌رشته‌ای در حوزه شهرسازی، معیارهای مطرح در توسعه هوشمند، پایدار و نوشهرگرایی، در حوزه مرمت، اهداف معین در مرمت شهری و مرمت معماری، و در حوزه معماری، طراحی محافظه کارانه، معاصر ساز و اعتدال گرایانه را مدنظر قرار می‌دهد. | مینو قره بگلو، احد نژاد ابراهیمی و ایلقار اردبیلچی (۱۳۹۸) |
| بررسی استراتژی ترجیحی متخصصان معماری شهرسازی و مرمت برای طراحی بناهای میان‌افزا در بافت‌های تاریخی و شناخت دیدگاه‌های ترجیحی متخصصان و مقایسه آن با دیدگاه‌های شهروندان و کشف شباهت‌ها و تفاوت‌های میان دیدگاه‌های این دو گروه می‌تواند راهنمای متخصصان در طراحی‌های میان‌افزای آینده باشد. | شکوفه سادات نائینی و جمال‌الدین سهیلی (۱۳۹۸) |
| یک از راهکار برای بازگرداندن سرزندگی به بافت‌های تاریخی، وجود بناهای میان‌افزا در این بافت‌هاست. چراکه هم‌نشینی تازه‌ای میان عناصر موجود و بناهای میان‌افزا شکل می‌گیرد و از آنجا که به لحاظ دوره زمانی ساخت، هم‌دوره سایر بناهای پیرامون نیستند، طبعاً محل بروز چالش‌هایی است. در نتیجه انتخاب مناسب الگوهای معماری میان‌افزا موجب مداخله‌ای موفق‌تر می‌گردد. | مهسا عبدالحمیدی، سمانه جلیلی صدرآباد و فریبرز دولت‌آبادی (۱۳۹۸) |

۳. ادبیات تحقیق

۳-۱- میان‌افزایی

بخش تاریخی شهرها میراث ارزشمند معماری و کالبدی باقی‌مانده از گذشتگان است که در گذر زمان در هویت بخشی به حیات شهری، نقش مهمی را برعهده دارد. این مناطق جلوه‌گاه ابعاد فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی و هویتی مردمانی است که در دوره‌های تاریخی در این بخش از شهر روزگار سپری کرده و هویت فرهنگی آن را به ثبت رسانده‌اند (کلانتیری خلیل‌آباد و پوراحمد، ۱۳۸۴: ۷۷؛ آقایی زاده و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۵۱). ساختار شهرهای کهن، استعداد و قدرت حیات و زندگی را دارد و پدیده‌ای ماندگار است (تابان، پورجعفر، ۱۳۸۷: ۲۴). یکی از بزرگترین دغدغه‌های شهری، هدایت توسعه آن در جهت پایداری در همه ابعاد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و کالبدی است. در جهت نیل به این منظور لازم است به جای توسعه و

"معماری بومی" در دوره معاصر از طریق نمایشگاه تأثیرگذار برنارد رودوفسکی (۱۹۶۴)، مورد توجه گسترده دنیای آکادمیک قرار گرفت. پس از آن به‌ویژه دانشمندان غربی، شروع به توسعه مطالعات معماری بومی نمودند. به‌عنوان مثال به: راپاپورت (۱۹۶۹)؛ الیور (۱۹۶۹ و ۱۹۹۷)؛ برونسکیل (۱۹۷۱) مراجعه شود (Xiaoxin & Kelly, 2019). با توجه به بررسی‌های انجام شده در تحقیقات پیشین، فقدان پژوهش در بافت تاریخی و میان‌افزایی و مواجهه با بوم‌گرایی به‌عنوان رویکردی منتج از بستر و زمینه کاملاً مشهود است. بنابراین پژوهش حاضر در این راستا از دیدگاهی تخصصی به بررسی میان‌افزایی به‌عنوان یک مساله میان‌رشته‌ای از بعد بوم‌گرایی می‌پردازد تا به تبیین دقیق جایگاه بوم در برخورد با بافت تاریخی و طراحی در آن دست یابد.

بناهای میان‌افزا شکل می‌گیرد که می‌تواند رویکردها و کیفیات بسیار متنوعی را در برداشته باشد (مسعود، ۱۳۹۱، ۲۵). بنابراین، ساختارهای جدید از منظر سبک، فرم و توده، سازه و شیوه ساخت، کاربری و روابط فضایی، مصالح، جزئیات، مقیاس و تناسبات (Warren, Worth- ington & Taylor, 1998: 10-16؛ شاه‌تیموری و مظاهریان، ۱۳۹۱) باید با معماری معاصر همخوان باشند و حداکثر ارتباط و پیوستگی با بافت مجاور را با حداقل آسیب بصری به آن تأمین کنند (Worthington, 1998: 179). اکثر مطالعات مرتبط راهکارهایی را ارائه داده‌اند که معمار، با اهداف حفاظتی و بعضاً معماری، باید آنها را در طراحی بنای میان‌افزا مدنظر قرار دهد. مطالعه بر روی نمونه‌ها و سبک‌های طراحی مختلف در هر یک به وضوح عدم ثبات را تعداد مشخصی برای رویکردهای موجود در طراحی میان‌افزا نشان می‌دهد. واکاوی سبک‌های مختلف بیانگر وجود سه جهت‌گیری عمده (محافظه‌کاری، معاصرسازی و اعتدال‌گرایی) در طراحی میان‌افزا در بافت تاریخی است (قره بگلو، نژاد ابراهیمی و اردبیلیچی، ۱۳۹۸: ۶۲). در محافظه‌کاری، اصل بر حفاظت بافت تاریخی و کمک به تداوم و پیوستگی آن است و تا حد امکان طرح با تبعیت از زمینه تاریخی است و تمایلی به افزودن لایه تاریخی معاصر به بافت وجود ندارد (قدیری، ۱۳۸۵: ۲۰-۳۴). رویکرد دوم، معاصرسازی، اولویت را به افزودن بنای معاصر می‌دهد که بیانگر ارزش‌های مربوط به انسان معاصر را دارد و حفاظت و الزامات شهرسازی را اولویت‌های بعدی می‌داند. سبک‌های طراحی در این نگرش معمولاً به گرایش‌های زمینه‌گریزی و زمینه‌ستیزی منتهی می‌شوند و لایه‌های مختص معماری معاصر را نیز به بافت می‌افزایند (CABE, 2005: 5). رویکرد سوم، اعتدال‌گرایی، برای هر سه حوزه مطالعاتی به یک میزان اهمیت قائل است. این رویکرد به کمک روش طراحی معماری خنثی یا درجه صفر، معماری نا آشکار یا آیین‌های و استفاده از خطوط وحدت‌بخش (قدیری، ۱۳۸۵: ۹۳-۸۷) بنایی معاصر را به بافت تاریخی اضافه می‌کند (قره بگلو، نژاد ابراهیمی و اردبیلیچی، ۱۳۹۸: ۶۴).

۳-۲- بوم‌گرایی تفسیری

اساس شکل‌گیری معماری بومی، شناخت پتانسیل‌ها و

رشد بی‌رویه شهر به صورت افقی، از طریق پر کردن بافت موجود شهر، افزایش متعادل تراکم و تغییر کاربری بناهای قدیمی و آلوده کننده به رشد و توسعه پایدار شهر دست یافت (میرمقتدایی، رفیعیان و سنگی ۱۳۸۹: ۴۴). توسعه میان‌افزای شهری در ۱۹۷۶ میلادی در کنفرانس هیئات دوم، مطرح و در ۱۹۷۹ میلادی توسط انجمن املاک و مستغلات آمریکا رسماً تعریف شد (پورموسوی، ناصر مستوفی و شکوهی بیدهدی، ۱۳۹۳: ۱۱). در حقیقت توسعه میان‌افزا منطقی‌ترین راه‌حل پیشروی این قبیل مشکلات شهری است. با این دغدغه توسعه‌های میان‌افزا به‌عنوان فرآیند بازیافت خلاقانه زمین‌های بلااستفاده در شهرها مفهوم می‌یابند (قادریان، ۱۳۹۶: ۹۵). این تعریف تا اواخر قرن ۲۰ میلادی غنی شد، اما بازه آن از تأکید بر افزایش تراکم و بازنده‌سازی بافت شهری فراتر نرفت (Farris, 2001; Haughey, 2001; Robinson & Cole, 2002). توسعه میان‌افزا یا توسعه از درون در حقیقت نوعی از توسعه است که برخلاف سایر سیاست‌های توسعه شهری، در بستر شهر موجود و با حضور ساکنان و شهروندان و واحدهای همسایگی صورت می‌پذیرد. این نوع از توسعه که دارای ابعاد قوی اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و زیست‌محیطی است، نه فقط یکی از کارهای فیزیکی کالبدی و شهرسازی است، بلکه موضوعی پیچیده و چندوجهی، میان بخشی و حتی فرابخشی است (رفیعیان، براتی و آرام، ۱۳۸۹: ۴۹). میان‌افزایی داخل فضای قابل استفاده بافت شهری، بافت‌های تاریخی را به‌عنوان یکی از محیط‌های قابل استفاده مطرح می‌کند. این بافت تاریخی که به دلیل جنبه‌های کالبدی و غیرکالبدی آن اهمیتی دو چندان دارد، نیازمند حساسیت بیشتر است. بنابراین بیشتر در حوزه حفاظت-مرمت موردتوجه است. با این وجود آنچه در این حوزه اهمیت دارد، ارائه ساختاری جدید است که با توجه به واژگان معماری قرن ۲۱ میلادی شکل گرفته (Worthington, 1998: 179) و منطبق بر الگوی نوین فعالیت و تکنولوژی‌های در حال توسعه باشد و موقعیت‌هایی را برای توسعه شهر در بافت موجود توسط آیندگان فراهم کند (ترک‌زبان و محمدمرادی، ۱۳۹۰). وقتی فضاهای خالی توسط دانه‌ها و اجزای میان‌افزا پر می‌شوند؛ هم‌نشینی تازه‌ای میان عناصر موجود و

دانش محلی با استفاده از مشارکت عمومی مردم منطقه و مطابق با شرایط اقتصادی جوامع می‌باشد. اولین مطالعات در این راستا در دهه ۱۹۴۰ میلادی انجام پذیرفت. در بررسی‌های انجام شده و نظرات معماران درباره معماری بومی، تمامی افراد، معماری بومی را آن گونه که تا آن زمان شناخته شده بود (فرم‌های سنتی و ظاهر قدیمی) رد و به دنبال معماری مطابق با معماری روز اما منطبق بر اصول معماری بومی بودند. به این ترتیب، نیاز به ایجاد گرایشی جدید در معماری بومی پیدا شد. گرایشی که مبتنی بر اصول موجود در معماری بومی اما منطبق با تکنولوژی و نیازهای زیبایی‌شناختی مردمان جوامع روز باشد. بنابراین بین سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰، واژه‌های مطرح شد که فصلی جدیدی از معماری بومی را آغاز نمود. بوم‌گرایی نوین نامی بود که به این نوع معماری داده شد که مقابل بوم‌گرایی سنتی قرار داشت. این نوع از معماری به احیا بومی و تمامی ملحقات آن در شهر و معماری پرداخته و به ترکیب "قدیم و جدید" می‌پردازد. تفاوت‌های بوم‌گرایی نوین با معماری بومی را می‌توان در دامنه کاربرد، مصالح و تکنولوژی ساخت مشاهده نمود. در واقع بوم‌گرایی نوین به دنبال شناخت بوم و معماری هر منطقه به‌عنوان شناسنامه معماری هر بوم است. در راستای شناخت بوم‌گرایی نوین، دو رویکرد مطرح می‌شود؛ رویکرد اول، رویکرد تفسیری و رویکرد دوم، رویکرد محافظانه کارانه یا حفاظتی (Suha, 1986). با توجه به این دسته‌بندی، معماری بومی در هر یک از این دیدگاه‌ها که بررسی شود بازخورد متفاوتی خواهد داشت. در جامعه‌ای بومی با دیدگاه گروه اول، یعنی بومی‌گرایی منفی و یا محافظه‌کارانه، معماری به شکل تقلیدی صرف از فرم‌ها، مصالح و طرح‌های محلی، بدون تلاشی برای به‌روزرسانی و درنهایت به ایجاد رابطه‌ای مصنوع و میان اشکال گذشته و افراد امروز منجر می‌شود. اما در نگرش دوم یعنی بومی‌گرایی تفسیری، معمار بومی با شناخت و تسلط کامل بر دانش، پتانسیل‌ها و استعدادها محلی و نیازهای امروز و فردای بوم از سوی دیگر همواره در پی پاسخ‌های مناسب‌تر و ارتقا یافته خواهد بود (عرفانی زاده و دیگران، ۱۳۹۲؛ Suham, 1986). در این پژوهش، رویکرد تفسیری در مواجهه با بوم‌گرایی مدنظر است؛ زیرا علی‌رغم توجه

به این میراث با ارزش در اولویت متخصصان قرار گرفته، اما با توجه به تغییرات دنیای مدرن گرایش انسان‌ها به زندگی در فضاهای مدرن افزایش داشته است. هدف از بوم‌گرایی تفسیری توجه به زمینه طراحی در بافت با دیدگاهی منعطف نسبت به حال و گذشته است. با توجه به ویژگی‌های بوم‌گرایی تفسیری که تأکید بر زمینه در عین نوآوری و توجه به مفاهیم، فرهنگ و کالبد است. بنابراین این رویکرد می‌توان فصل مشترکی میان این دو باشد.

۴. معرفی محدوده پژوهش

دزفول یکی از شهرهای استان خوزستان، در ساحل شرقی رود دز و در جنوب غربی رشته‌کوه زاگرس واقع است و پیشینه آن به چندین هزار سال می‌رسد و از کهن‌ترین شهرهای استان خوزستان به شمار می‌رود و از دید تاریخ و فرهنگ ویژگی‌های برجسته‌ای دارد (امام اهوازی، ۱۳۸۲: ۱۰؛ Attarian and Safar Ali Najar, 2019). محدوده‌های مورد مطالعه، در هسته‌های اولیه شکل‌گیری شهر دزفول واقع شده‌اند که با عنوان بافت قدیم یا بافت تاریخی شهر از آن یاد می‌شود. بافت قدیم شهر دزفول مساحتی حدود ۲۰۰ هکتار از شهر را به خود اختصاص داده است. این بافت حائز ویژگی‌های ارزشمند تاریخی و اقتصادی است. بافت قدیمی و اصلی شهر دزفول از به هم پیوستگی محلاتی تشکیل شده که این محلات با توجه به استقرارشان در سطح شهر، از ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی متفاوتی نسبت به هم برخوردارند. ۲۷ محله بافت قدیم شهر دزفول را شکل داده‌اند که همانند سایر شهرهای ایران، محلات مذکور بر مبنای عوامل مختلف ساکنان نظیر قومیت، دین و مذهب، شغل و پیشه و شرایط محیطی و... نام‌گذاری شده و هر یک دارای مرزی معین بوده‌اند. با گذر زمان و به‌خصوص در دهه‌های اخیر، خیابان‌کشی‌های صورت گرفته موجب گسسته شدن مجموعه مذکور شده و مرز محلات نامبرده دستخوش تغییراتی شده‌اند (دیده‌بان، پوردیهیمی و ریسمانچیان، ۱۳۹۲: ۴۵). یکی از ویژگی‌های بافت تاریخی شهر دزفول، در جریان بودن زندگی کاربران در آن می‌باشد. این پویایی، باعث ایجاد برخی تغییرات و تداخلات در بافت تاریخی این شهر شده است.



شکل (۱): محدوده بافت قدیم شهر دزفول نسبت به رودخانه دز، منبع: نگارندگان

اما از طرفی این میراث ارزشمند منطقه، با توجه به مشکلات و آسیب‌های جدی محیطی و فیزیکی، با خطر نابودی و تخریب قرار گرفته است (شکل ۲، ۳ و ۴). ماحصل آن، پیدایش زمین‌هایی برای ساخت‌وساز جدید در محدوده این بافت می‌باشد. اما این عمل در اکثر موارد، توسط افراد بومی و غیرمتخصص انجام شده و نتیجه آن، ساخت بناهایی بدون ارتباط و با مؤلفه‌های غیربومی در محدوده بافت تاریخی بوده است (شکل ۵، ۶ و ۷). بنابراین بررسی طراحی‌های میان‌افزا در بافت تاریخی شهر دزفول ضروری بوده و از سوی دیگر، توجه به بوم و زمینه این شهر، به‌منظور توسعه و رونق آن برای بالا بردن آگاهی افراد و سایر متخصصان از این گنجینه میراث ملموس بسیار حائز اهمیت می‌باشد.



شکل (۲، ۳ و ۴): تخریب‌های ایجاد شده به صورت عمدی و یا بر اثر شرایط محیطی در محدوده بافت تاریخی دزفول، منبع: نگارندگان



شکل (۵، ۶ و ۷) ساخت‌وسازهای انجام شده در محدوده بافت تاریخی دزفول، منبع: نگارندگان

۴. روش تحقیق

روش انجام این پژوهش به صورت توصیفی-تحلیلی و روش جمع‌آوری اطلاعات از طریق روش پیمایشی است. باید اذعان نمود که به‌طور کلی دیدگاه‌های مختلفی در زمینه ارزیابی کیفیت طراحی محیط مطرح شده است اما به‌منظور پیشبرد اهداف این پژوهش معیارهای مورد بررسی با اقتباس از گیفورد بوده و شامل شش ویژگی شناختی ارزیابانه شامل: انسجام، معنادار بودن، دلپذیر و خوشایند بودن، پیچیدگی، ارتباط نزدیک با زمینه و نوآوری می‌باشد (Gifford & Hine, 2002: 131-154). فرایند این بررسی در دو مرحله کلی انجام می‌پذیرد. در مرحله اول، شش عامل، به صورت کلی از دیدگاه متخصصان که تمامی متخصصان دانشگاه صنعتی جندی‌شاپور شهر دزفول انتخاب شده، به روش تاپسیس ارزیابی می‌شوند که سطح تحصیلات و رشته آنها در جدول شماره ۳ مشاهده می‌شود.

جدول (۳): مشخصات جامعه آماری

| جامعه آماری | رشته | تحصیلات | |
|-------------|---------|---------------|-------|
| | | کارشناسی ارشد | دکتری |
| ۱۵ | معماری | - | ۷ |
| | شهرسازی | - | ۵ |
| | مرمت | ۳ | - |

استوار است که ابتدا ایده‌آل‌های مثبت (کارآمدترین حالت) و ایده‌آل‌های منفی (ناکارآمدترین حالت) را برای هر یک از شاخص‌ها محاسبه می‌کند و سپس فاصله هر گزینه از ایده‌آل‌های مثبت و منفی محاسبه می‌شود. گزینه منتخب، گزینه‌ای است که کمترین فاصله را از ایده‌آل‌های مثبت و بیشترین فاصله را از ایده‌آل‌های منفی داشته باشد. این تکنیک به‌گونه‌ای طراحی شده که می‌توان نوع شاخص‌ها را از لحاظ تأثیر مثبت یا منفی داشتن بر هدف تصمیم‌گیری در مدل دخالت داده و نیز اوزان و درجه اهمیت هر شاخص را در مدل وارد نمود. به‌منظور به‌کارگیری تکنیک تاپسیس برای رتبه‌بندی و انتخاب بهترین گزینه از میان گزینه‌های موجود، باید مراحل زیر را به ترتیب طی نمود:

- تشکیل ماتریس تصمیم‌گیری
- وزن‌دهی به شاخص‌ها
- کمی‌سازی ماتریس تصمیم‌گیری
- تشکیل ماتریس بی‌مقیاس شده
- یافتن ماتریس بی‌مقیاس شده موزون
- یافتن ایده‌آل‌های مثبت و منفی
- یافتن فاصله هر شاخص از جواب‌های ایده‌آل برای هر گزینه
- تعیین نزدیکی نسبی هر گزینه به پاسخ ایده‌آل
- رتبه‌بندی (کامیابی و طاهری، ۱۳۹۴: ۳۳).

در این پژوهش به‌منظور وزن‌دهی به شاخص‌ها از روش آنتروپی شانون استفاده شده است. آخرین مرحله در تکنیک تاپسیس، رتبه‌بندی و تعیین بهترین گزینه می‌باشد. برای این منظور کافی است تا فاصله نسبی هر گزینه که به کمک رابطه بالا محاسبه شود و به ترتیب بزرگ به کوچک مرتب شود. در این حالت گزینه‌ای که دارای بزرگترین فاصله نسبی نسبت به سایر گزینه‌ها باشد، بالاترین رتبه را به خود اختصاص می‌دهد (اصغری‌پور، ۱۳۸۵: ۸۷؛ ثقفی اصل، زبردست و ماجدی، ۱۳۹۲: ۷۵). ساختار کلی این پژوهش در شکل ۷ قابل مشاهده است.

روش ارزیابی در این پژوهش در براساس روش تاپسیس است. تاپسیس یکی از روش‌های مورد استفاده در تصمیم‌گیری چند معیاره و یکی از انواع مدل‌های تصمیم‌گیری براساس چندین شاخص که می‌تواند راه‌گشای بسیاری از مسائل تصمیم‌گیری برای مدیران و برنامه‌ریزان باشد (ثقفی اصل، زبردست و ماجدی، ۱۳۹۲، ۷۵؛ نوجوان و دیگران، ۱۳۹۰، ۲۸۹). این مدل برای اولین بار در سال ۱۹۸۱، توسط هوانگ و یون ارائه گردید و با اصلاحاتی که بر روی آن انجام شد، به‌عنوان یکی از دقیق‌ترین روش‌های تصمیم‌گیری چند شاخصه در بین برنامه‌ریزان می‌باشد. اساس کار آن دارای پایه‌های نظری قویتری نسبت به تکنیک‌های تصمیم‌گیری چند شاخصه است. پایه‌های نظری این تکنیک بر این رابطه



شکل (۷): ساختار کلی پژوهش

مؤلفه‌های مورد بررسی در این پژوهش در ابعاد فیزیکی و هویتی-معنایی مورد بررسی قرار گرفته‌اند که در جدول شماره ۴، معرفی شده‌اند.

۴. یافته‌ها و بحث

در این بخش، شش مؤلفه شناختی مورد بررسی از دیدگاه هر گروه جامعه آماری در جدول ۵ مشخص شده‌اند. این مؤلفه‌ها برای هر فرد در دو بعد کالبدی و هویتی-معنایی سنجیده شده‌اند. قابل ذکر است که امتیازها براساس طیف لیکرت (۱ تا ۵) بوده که امتیاز ۱ به‌عنوان کمترین و ۵ به‌عنوان بیشترین امتیاز لحاظ شده است.

براساس نتایج حاصل از مدل تاپسیس داده‌ها، از دیدگاه معماران، ارتباط نزدیک با زمینه، انسجام، معنادار بودن و نوآوری در زمینه بهترین راهکار در میان مؤلفه‌های ذکر شده بوده‌اند. در نگاهی دیگر از منظر کالبدی و معنایی، باید ذکر کرد که ابعاد کالبدی و فیزیکی به جز مؤلفه معنادار بودن در زمینه اولویت بالاتری نسبت به ابعاد

جدول (۴): مؤلفه‌های مورد بررسی

| | | |
|--------|--------------------------------|--------------|
| فیزیکی | ویژگی شناختی | هویتی-معنایی |
| | انسجام با زمینه | |
| | معنادار بودن در زمینه | |
| | دلپذیر و خوشایند بودن در زمینه | |
| | پیچیدگی در زمینه | |
| | ارتباط نزدیک با زمینه | |
| | نوآوری در زمینه | |

جدول (۵): نتایج حاصل از پرسشنامه در سه رشته معماری، شهرسازی و مرمت

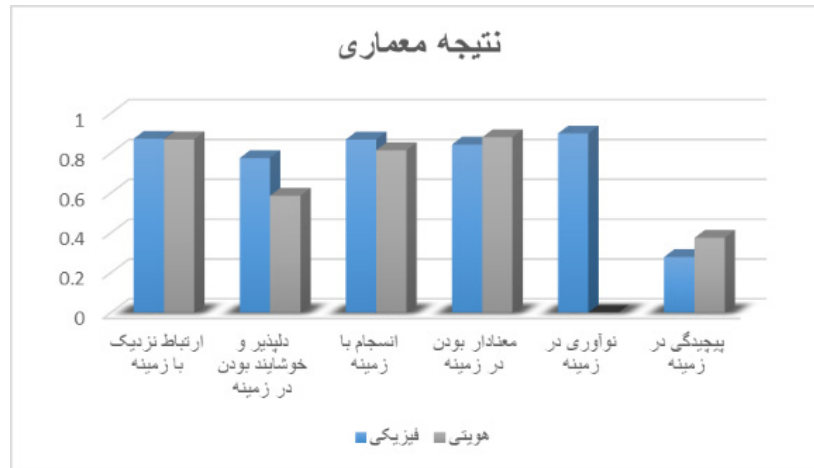
| مرمت | | شهرسازی | | معماری | | ویژگی شناختی |
|--------------|--------|--------------|--------|--------------|--------|--------------------------------|
| هویتی-معنایی | فیزیکی | هویتی-معنایی | فیزیکی | هویتی-معنایی | فیزیکی | |
| ۱۴ | ۱۴ | ۲۵ | ۲۰ | ۳۱ | ۳۲ | انسجام با زمینه |
| ۱۲ | ۱۴ | ۱۷ | ۲۵ | ۳۳ | ۳۲ | معنادار بودن در زمینه |
| ۱۱ | ۱۵ | ۱۸ | ۲۵ | ۲۴ | ۳۰ | دلپذیر و خوشایند بودن در زمینه |
| ۴ | ۴ | ۶ | ۱۰ | ۱۸ | ۱۵ | پیچیدگی در زمینه |
| ۱۱ | ۱۵ | ۲۰ | ۲۳ | ۳۱ | ۳۲ | ارتباط نزدیک با زمینه |
| ۳ | ۷ | ۶ | ۱۲ | ۸ | ۳۳ | نوآوری در زمینه |

معنایی- هویتی داشته‌اند (شکل ۸). از سوی دیگر، باتوجه به تصویر شماره ۴ و نظر شهرسازان، انسجام دلپذیر بودن، ارتباط با زمینه و معنادار بودن در زمینه ارجحیت داشته‌اند و ابعاد کالبدی و معنایی نیز دارای تفاوت‌هایی با معماران است. برای مثال انسجام با زمینه برای شهرسازان از بعد معنایی-هویتی دارای امتیاز بالاتری بوده است و مؤلفه معنادار بودن در زمینه از برخلاف معماران از بعد کالبدی-فیزیکی ارجحیت دارد (شکل ۹). از دیدگاه متخصصان رشته مرمت، ۴ مؤلفه‌ای که در دو رشته دیگر ارجحیت داشته‌اند، نیز امتیاز بالاتری داشته‌اند (شکل ۱۰).

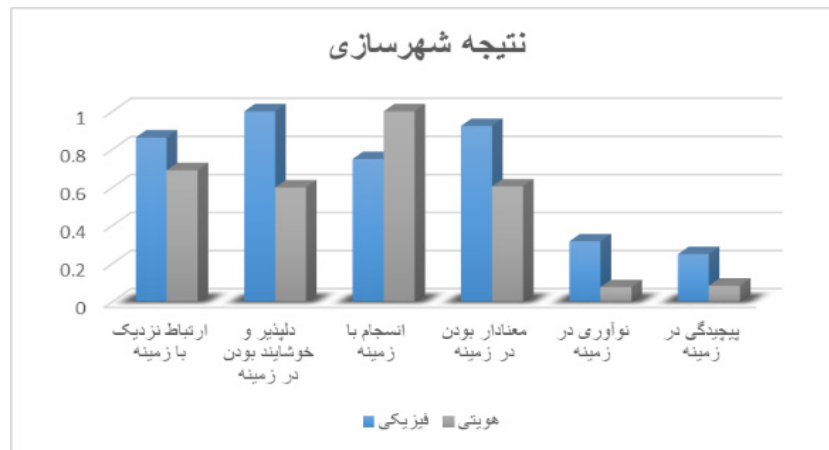
جدول (۶): نتایج حاصل از تاپسیس ویژگی‌های شناختی در ابعاد فیزیکی و هویتی- معنایی در سه رشته معماری، شهرسازی و مرمت

| ویژگی شناختی | | فیزیکی | هویتی - معنایی |
|--------------------------------|-------------|-------------|----------------|
| معماری | | | |
| ارتباط نزدیک با زمینه | ۰.۸۷۲۴۲۰۴۳۵ | ۰.۸۶۹۲۱۳۴۸۹ | |
| دلپذیر و خوشایند بودن در زمینه | ۰.۷۷۵۱۴۹۶۲۶ | ۰.۵۸۶۱۵۵۷۷۳ | |
| انسجام با زمینه | ۰.۸۶۸۴۱۳۱۳۷ | ۰.۸۱۴۱۵۷۶۵ | |
| معنادار بودن در زمینه | ۰.۸۴۲۹۳۰۸۱۲ | ۰.۸۷۹۸۵۷۳۷۵ | |
| نوآوری در زمینه | ۰.۸۹۸۶۵۶۹۰۴ | ۰.۰۰۰۰۰۱ | |
| پیچیدگی در زمینه | ۰.۲۷۸۶۴۰۵۹۷ | ۰.۳۷۴۸۸۴ | |
| شهرسازی | | | |
| ارتباط نزدیک با زمینه | ۰.۸۶۲۸۰۲ | ۰.۶۹۰۳۵۱ | |
| دلپذیر و خوشایند بودن در زمینه | ۱ | ۰.۶۰۰۱۱۱ | |
| انسجام با زمینه | ۰.۷۵ | ۱ | |
| معنادار بودن در زمینه | ۰.۹۲۳۵۷۱ | ۰.۶۰۵۸۱۷ | |
| نوآوری در زمینه | ۰.۳۱۷۰۳۳ | ۰.۰۷۶۴۲۹ | |
| پیچیدگی در زمینه | ۰.۲۵ | ۰.۰۸۳۵۹۷ | |
| مرمت | | | |
| ارتباط نزدیک با زمینه | ۱ | ۰.۶۵۵۰۵۸ | |
| دلپذیر و خوشایند بودن در زمینه | ۱ | ۰.۶۵۵۰۵۸ | |
| انسجام با زمینه | ۰.۸۶۱۶۲ | ۰.۸۶۹۸۹۴ | |
| معنادار بودن در زمینه | ۰.۸۶۳۳۶۴ | ۰.۷۱۳۴۳۹ | |
| نوآوری در زمینه | ۰.۳۴۷۰۵ | ۰ | |
| پیچیدگی در زمینه | ۰.۱۳۶۶۳۶ | ۰.۱۳۰۱۰۶ | |

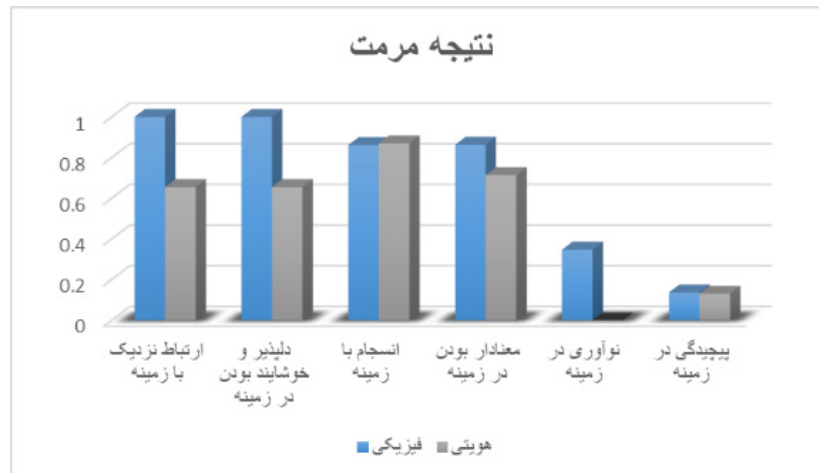
نکته حائز اهمیت این است که به‌طور کلی در سه رشته، ارتباط نزدیک با زمینه دلپذیر بودن و خوشایند بودن در زمینه، نوآوری در زمینه از طریق بعد کالبدی ارجحیت داشته است.



شکل (۸): نتایج حاصل برای گروه معماران



شکل (۹): نتایج حاصل برای گروه شهرسازان



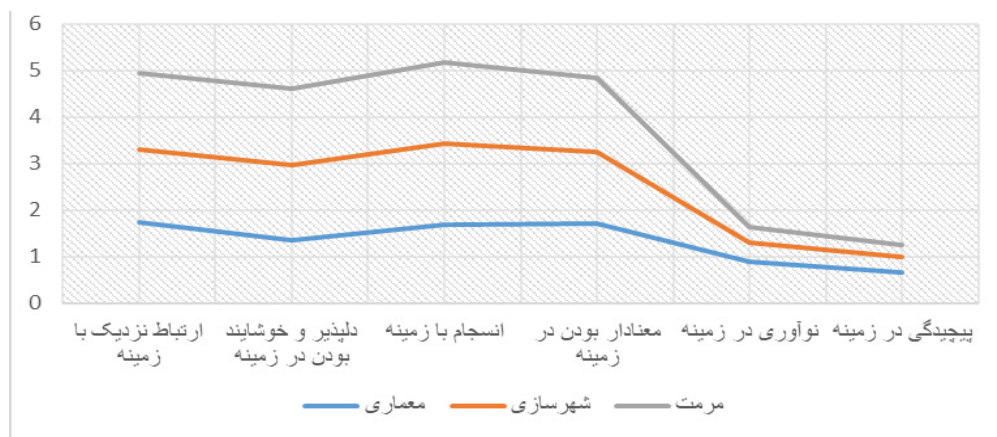
شکل (۱۰): نتایج حاصل برای گروه مرمت‌گران

در مرحله بعد، نتایج حاصل از ویژگی‌ها را فارغ از دید کالبدی و معنایی بررسی نموده (جدول ۷) که نتیجه آن در شکل ۱۱ قابل مشاهده است.

جدول (۷): نتایج حاصل از تاپسیس ویژگی‌های شناختی در سه رشته معماری، شهرسازی و مرمت

| ویژگی شناختی | معماری | شهرسازی | مرمت |
|--------------------------------|-------------|----------|----------|
| ارتباط نزدیک با زمینه | ۱.۷۴۱۶۳۳۹۲۳ | ۱.۵۵۳۱۵۳ | ۱.۶۵۵۰۵۸ |
| دلپذیر و خوشایند بودن در زمینه | ۱.۳۶۱۳۰۵۳۹۹ | ۱.۶۰۰۱۱۱ | ۱.۶۵۵۰۵۸ |
| انسجام با زمینه | ۱.۶۸۲۵۷۰۷۸۷ | ۱.۷۵ | ۱.۷۳۱۵۱۴ |
| معنادار بودن در زمینه | ۱.۷۲۲۷۸۸۱۸۷ | ۱.۵۲۹۳۸۸ | ۱.۵۷۶۸۰۳ |
| نوآوری در زمینه | ۰.۸۹۸۶۶۶۹۰۴ | ۰.۳۹۳۴۶۱ | ۰.۳۴۷۰۵ |
| پیچیدگی در زمینه | ۰.۶۵۳۵۲۴۵۹۷ | ۰.۳۳۳۵۹۷ | ۰.۲۶۶۷۴۲ |

این نتایج بیان می‌کند که انسجام، ارتباط نزدیک، معنادار بودن، دلپذیر و خوشایند بودن، نوآوری و درنهایت پیچیدگی در زمینه ترتیب اولویت مؤلفه‌ها در میان سه رشته معماری، شهرسازی و مرمت در میان متخصصان می‌باشد.



شکل (۱۱): نتایج کلی حاصل از سه رشته

به صورت کلی در میان متخصصان سه رشته، انسجام با زمینه، معنادار بودن در زمینه و ارتباط نزدیک با زمینه و خوشایند بودن در بستر و زمینه از اهمیت بالایی برخوردار هستند. این امر بیانگر آن است که بستر و زمینه به‌عنوان عنصر اصلی هر بافت تاریخی، هسته مرکزی توجه و الهام می‌باشد. از سوی دیگر، در بوم‌گرایی بالاخص بوم‌گرایی تفسیری که رویکرد اصلی این پژوهش است، بستر و زمینه، بخش جدایی‌ناپذیری است که عدم توجه به آن، پیامدهای منفی به بار خواهد آورد. بنابراین در طراحی میان‌افزا در بافت تاریخی شهر دزفول، از دیدگاه متخصصان این شهر، بستر و زمینه مهمترین عنصری است باید الگوی طراحی در این بافت قرار گیرد.

۵. نتیجه گیری

از دیدگاه معماران، شهرسازان و مرمت‌گران بررسی شده و باید ترتیب اولویت آنها در طراحی از بعد کالبدی-فیزیکی و یا معنایی-هویتی ملاک قرار گیرد تا مجموع طراحی از دیدگاه سه رشته خوشایند بوده و پتانسیل‌های بافت تاریخی به بهترین شکل ممکن به کار گرفته شوند تا به صورت دقیق‌تری منطبق بر رویکرد بوم‌گرایی تفسیری مرتبط با هر بافت شکل گیرد. بوم‌گرایی نوین، تفسیری معاصر از بنای بومی است. در واقع، معماری معاصر را در محیط بومی ارائه می‌دهد که از عناصر بومی الهام گرفته شده است و زبان فناوری و زیبایی‌شناسی زمان خود را بیان می‌کند. این امر در شهر دزفول منجر به رونق بافت تاریخی شهر شده و از طرف دیگر، می‌تواند گامی مؤثر در حفظ بافت تاریخی این شهر و همچنین رونق صنعت گردشگری از طریق ساخت اقامتگاه‌های بوم‌گردی در دل بافت تاریخی این شهر با استفاده از طراحی میان‌افزا، گردد.

در جامعه معاصر امروز رشد و توسعه در بافت‌های تاریخی، نیازمند دقت و توجه لازم است. لذا تدوین چهارچوبی برای طراحی میان‌افزا در این مکان‌ها بسیار ضروری می‌باشد. این چهارچوب‌ها نیز باید با توجه به ویژگی‌های بومی هر بافت در شهرهای مختلف صورت پذیرد تا به نقاط ضعف و ظرفیت‌های آن به‌طور دقیق‌تری توجه شود و دقیقاً منطبق با ظرفیت‌های بومی هر بافت باشند. برخلاف نتایج پژوهش‌های پیشین و وجود تضادهایی میان نتایج حاصل از متخصصان سه رشته و اولویت‌های آنها در طراحی میان‌افزا، با توجه به یافته‌های این پژوهش متخصصان معماری، شهرسازی و مرمت در شهر دزفول و باتوجه به ویژگی‌ها و نیازهای بافت تاریخی این شهر، راهکارها و مؤلفه‌هایی که دارای بیشترین گرایش به سمت تطابق زمینه و در نتیجه تطابق براساس رویکرد بوم‌گرایی تفسیری بوده‌اند، دارای ارجحیت می‌باشند. تفاوت‌های موجود در میان استفاده از ابعاد کالبدی-فیزیکی و هویتی-معنایی در میان متخصصان این سه رشته است که باتوجه به تفاوت‌های دیدگاهی این سه رشته در برخورد با بافت‌های تاریخی، طبیعی است. بنابراین براساس نتایج این پژوهش (شکل ۶)، براساس نتایج حاصل از سه رشته معماری، شهرسازی و مرمت، مؤلفه‌هایی که باید در طراحی میان‌افزا در بافت تاریخی شهر دزفول موردتوجه ویژه قرار گیرند، به ترتیب زیر می‌باشد:

- ### منابع
۱. اسمعیلی سنگری، حسین، (۱۳۹۳)، راهکارهای احیاء بافت‌های تاریخی به‌مثابه هویت واجد ارزش شهری؛ مورد پژوهی: محور تاریخی تربیت تبریز. مدیریت شهری و روستایی. ۱۳ (۳۷): ۳۵-۵۶
 ۲. اصغری‌پور، محمدجواد، (۱۳۸۵)، تصمیم‌گیری‌های چند معیاره، چاپ چهارم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
 ۳. امام‌اهواری، محمدعلی، (۱۳۸۲)، مقالاتی درباره تاریخ جغرافیایی دزفول، انتشارات دزفول، دزفول.
 ۴. باحقیقت‌منگودهی، حمیدرضا، پرویزی، رضا، کریمی‌آذری، امیررضا و سپیده‌نمازی جوکندان (۱۳۹۹). بررسی میزان تأثیرگذاری عناصر معماری بومی بر سرزندگی شهروندان در محلات بافت قدیم رشت (نمونه موردی: محله ساغری سازان). مدیریت شهری، ۱۱۴ (۴۰): ۲۶۹-۲۸۴.
 ۵. بمانیان محمدرضا، کلوی آیلار، اشکوه حسین. تبیین رویکرد انتخاب استراتژی مدیریت توسعه مناطق ساحلی با تأکید بر بوم‌گرایی. مدیریت شهری و روستایی. ۱۳۹۱؛ ۱۰ (۳۰): ۱۹-۳۸
 ۶. پورموسوی، سیدموسی، ناصر مستوفی، انوشیروان و شکوهی بیدهدی، محمدصالح، (۱۳۹۳)، شناسایی اصول و راهکارهای اجرایی توسعه میان‌افزا در شهر تهران به‌عنوان یکی از ابعاد توسعه شهری پایدار، مطالعات توسعه اجتماعی ایران، ۶ (۴): ۳۷-۵۷.

- ۱- انسجام با زمینه
- ۲- ارتباط نزدیک با زمینه
- ۳- معنادار بودن در زمینه
- ۴- دلپذیر و خوشایند بودن در زمینه
- ۵- نوآوری در زمینه
- ۶- و پیچیدگی در زمینه

نتایج بیانگر این امر است، که توجه به زمینه و بستر که شالوده اصلی بوم‌گرایی است، در اولویت متخصصان سه رشته قرار دارد. به صورت کلی، هرکدام از این مؤلفه‌ها

۷. تابان، محسن، پورجعفر، محمدرضا. (۱۳۸۷). بازشناسی عوامل هویتی بافت تاریخی دزفول و کاربرد آنها در توسعه شهر، مدیریت شهری، ۲۳(۲۲)، ۴۱-۲۳.
۸. ترک زبان، شقایق، محمد مرادی، اصغر. (۱۳۹۰). ضوابط طراحی معماری در بافت‌های تاریخی. معماری اقلیم گرم و خشک. ۱(۱). ۵۳-۶۶.
۹. تلخابی، حمیدرضا، شمعی، علی، داودپور، زهره و اصغر شکیبایی، (۱۳۹۵). تحلیلی بر بافت‌های سنتی و جدید و ارائه شاخص‌های بومی برنامه‌ریزی توسعه شهری (مطالعه موردی: بافت تاریخی و شهرک امیرکبیر اراک)، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۷(۲۵)، ۷۱-۸۲.
۱۰. ثقفی اصل، آرش، زبردست، اسفندیار و ماجدی، حمید، (۱۳۹۲). کاربرد تکنیک تاپسیس در رتبه‌بندی پروژه‌های طراحی شهری تهران با رویکرد سنجش تحقق‌پذیری، نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی دوره ۱۸ شماره ۴، زمستان، ۶۹-۷۸.
۱۱. خوش اندام، زهره، وزیری، وحید، حاتمی خانقاهی، توحید. (۱۳۹۷). راهکارهای حفظ ارزش‌های معماری بومی در طراحی بناها و محلات معاصر شهر اردبیل. نشریه علمی اندیشه معماری، ۳(۴)، ۴۵-۵۲. doi: 10.30479/2018.1537.at
۱۲. دیده‌بان، محمد، پوردیهیمی، شهرام و ریسمانچیان، امید (۱۳۹۲). روابط بین «ویژگی‌های شناختی» و «بیکره‌بندی فضایی» محیط مصنوع، تجربه‌ای در دزفول، مطالعات معماری ایران، ۱ (۴) ۳۷-۶۴.
۱۳. رفیعیان، مجتبی، براتی، ناصر و آرام، مرضیه، (۱۳۸۹). سنجش ظرفیت توسعه فضاهای بدون استفاده در مرکز شهر قزوین با تأکید بر رویکرد توسعه میان‌افزا، نامه معماری و شهرسازی، شماره پنجم، پاییز و زمستان، ۴۵-۶۱.
۱۴. رهنمایی، محمدتقی و شاه‌حسینی، پروانه، (۱۳۸۹). فرآیند برنامه‌ریزی شهری ایران. چاپ ششم، تهران: سمت.
۱۵. زال محمدحسن، رضانزاده لسبویی مهدی، اسماعیلی امین. بافت سنتی شهری و نقش آن در توسعه‌ی گردشگری میراث فرهنگی (مطالعه‌ی موردی: بافت قدیم شهر ساری)، (۱۳۹۷)، مدیریت شهری و روستایی، ۱۷ (۵۳) ۷-۲۶.
۱۶. زبردست، اسفندیار، (۱۳۸۰). کاربرد فرآیند تحلیل سلسله مراتبی در برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۱۰،
۱۷. شاه‌تیموری، یلدا و مظاهریان، حامد، (۱۳۹۱). رهنمودهای طراحی برای ساختارهای جدید در زمینه تاریخی. هنرهای زیبا، ۱۷(۴) ۲۹-۴۰.
۱۸. صارمی، حمیدرضا. (۱۳۹۲). بررسی توسعه از درون شهر بروجرد. مجله مدیریت شهری، شماره ۳۲، ۲۲۹ - ۳۱۰.
۱۹. ضرغامی، اسماعیل و سادات، سیده اشرف، (۱۳۹۶). تکنولوژی و معماری بومی، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی.
۲۰. عبدالحمیدی، مهسا، جلیلی صدرآباد، سمانه، دولت‌آبادی، فریبرز، (۱۳۹۸). انتخاب الگوهای معماری میان‌افزا مناسب در بافت تاریخی با تمرکز بر خوانش ویژگی‌های کالبدی- فضایی. مدیریت شهری و روستایی، ۱۸ (۵۵) ۲۵۵-۲۷۶.
۲۱. عرفانی زاده، زهرا؛ فرضیان، محمد؛ معصومه عرفانی زاده. (۱۳۹۲). معماری بومی پاسخگوی نیاز امروز معماری. هشتمین کنفرانس معماری و شهرسازی، توسعه پایدار با محوریت معماری بومی تا شهر پایدار، مشهد، موسسه آموزش عالی خاوران.
۲۲. عطایی رقیه، پورمحمدی محمدرضا. تأثیر مؤلفه‌های هویت کالبدی و فعالیت‌های بافت‌های تاریخی در ایجاد تعاملات اجتماعی. مدیریت شهری و روستایی. ۱۳۹۴؛ ۱۴ (۴۱) ۲۲۹-۲۴۶.
۲۳. علوی زاده، سیده الهام، اسلامی، سید غلامرضا و حبیب فرح، (۱۳۹۷). بررسی تأثیر میزان زمینه‌گرایی بناهای میان‌افزا بر تداوم حیات بافت تاریخی بازار سنتی ایرانی (نمونه موردی: حریم درجه دو بافت تاریخی بازار سنتی اردبیل، فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی، شماره ۱۸، بهار، ۶۹-۸۶).
۲۴. علی محمدی، غلامرضا، عبدالمهدی، رکسانا، (۱۳۹۷). تبیین مبانی نمود فرهنگ در معماری بومی ایران و ارتباط آن با ایجاد حس تعلق به مکان، نشریه مدیریت شهری، ۱۷(۵۰)، ۳۳-۴۶.
۲۵. علیرضا غفاری، (۱۳۹۶). تحلیل نشانه شناختی بافت تاریخی کرمان برپایه ارتباط لایه‌های متن/ بافت، نشریه مدیریت شهری، ۱۶(۴۸)، ۱۲۹-۱۴۴.
۲۶. عندلیب، علیرضا، (۱۳۸۹). نوسازی بافت‌های فرسوده حرکتی نو در شهر تهران. چاپ اول، تهران: سازمان نوسازی شهر تهران.
۲۷. فروغمند اعرابی، هومن، خبازی، مریم، فروغمند اعرابی، هوشنگ. (۱۳۹۵). ارزیابی منابع تأثیرگذار طراحی شهری در ایران براساس رویکرد بومی‌سازی. معماری و شهرسازی آرمان‌شهر، ۹(۱۷)، ۲۶۳-۲۷۱.
۲۸. قادریان، مسعود، (۱۳۹۶). چهارچوب توسعه میان‌افزا در بافت‌های تاریخی. بررسی موردی: دستور کار طراحی سایت ایلچی خان در بافت تاریخی یزد، نامه معماری و شهرسازی، پاییز و زمستان، ۱۹(۱۹): ۹۳-۱۱۲.
۲۹. قدیری، بهرام، (۱۳۸۵). ساختارهای جدید در محیط‌های تاریخی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۳۰. قره‌بگلو، مینو، نژادابراهیمی، احد و اردبیلچی، ایلقار، (۱۳۹۸). معماری میان‌افزا؛ رویکردی میان‌رشته‌ای برای

ful”, Journal of Cultural Heritage Management and Sustainable Development, Vol. 9 Issue: 1, pp.2-23, <https://doi.org/10.1108/JCHMSD-06-2017-0030>

42. Brunskill, R. W. (1971). *Illustrated Handbook of Vernacular Architecture*. 1st ed. London: Faber and Faber.
43. CABE. (2005). *Design coding: testing its use in England*. London: Commission for Architecture and the Built Environment.
44. Farris, J. T. (2001). *The Barriers to Using Urban Infill Development to Achieve Smart Growth*. *Housing Policy Debate*, 12(1), 1-30.
45. Haughey, R. M. (2001). *Urban infill housing: Myth and fact*. Washington, D.C: Urban Land Institute.
46. Oliver, P. 1969. *Shelter and Society*. London: Barrie and Cresset.
47. Oliver, P. (1997). *Encyclopedia of Vernacular Architecture of the World*. Cambridge: Cambridge University Press.
48. Robinson & Cole LLP. (2002). *Best Practices to Encourage Infill Development*. New York: National Association of Realtors. Retrieved from: [https://www.nar.realtor/smart_growth.nsf/docfiles/infilldevelopment.pdf/\\$FILE/infilldevelopment.pdf](https://www.nar.realtor/smart_growth.nsf/docfiles/infilldevelopment.pdf/$FILE/infilldevelopment.pdf)
49. Rudofsky, B. 1964. *Architecture without Architects*. Bath: Pitman Press.
50. Suha, O. (1986), regionalism with modernism-regionalism in architecture, seminar exploring architecture in Islamic cultures II, Dhaka, Bangladesh
51. Trancik, R. (1986) . *Finding Last Space: Theories of Urban Design*. New York: Van Nostrand Reinhold.
52. Warren, J., Worthington, J. & Taylor. S. (1998). *The historical context: principles and philosophies*. Boston: Architectural press.
53. Worthington, J. (1998). *Conservation through development*. University of York: Architectural Press.
54. Xiaoxin Zhao & Kelly Greenop (2019) From 'neo-vernacular' to 'semi-vernacular': a case study of vernacular architecture representation and adaptation in rural Chinese village revitalization, *International Journal of Heritage Studies*, 25:11, 1128-1147, DOI: 10.1080/13527258.2019.1570544
- طراحی در بافت تاریخی نمونه موردی: مجموعه تجاری مشروطه در بافت تاریخی بازار تبریز، نشریه علمی باغ نظر، مهر، ۱۶ (۷۶)، ۵۷-۶۸.
۳۱. کامیابی، سعید، طاهری، سید مجتبی. (۱۳۹۴). بررسی مکان‌یابی مراکز پارکینگ طبقاتی با استفاده از روش AHP و TOPSIS (مطالعه موردی: شهر سمنان). *مطالعات ساختار و کارکرد شهری*، ۳(۹)، ۲۷-۴۱.
۳۲. کلانتری خلیل‌آباد، حسین، پوراحمد، احمد، (۱۳۸۴)، مدیریت و برنامه‌ریزی احیاء ناحیه تاریخی شهر یزد، پژوهش‌های جغرافیایی، ۹۲-۷۷.
۳۳. مسعود، محمد، بیگ زاده، حمیدرضا. ۱۳۹۲. بناهای میان‌افزا در بافت تاریخی. تهران: انتشارات آذرخش
۳۴. مسعود، محمد و بیگ زاده شهرکی، حمیدرضا. (۱۳۹۱). بناهای میان‌افزا در بافت‌های تاریخی (مبانی طراحی و معیارهای ارزیابی). تهران: آذرخش.
۳۵. ملکشاهی، غلامرضا، قدمی، مصطفی، باقری حجت، مژگان. (۱۳۹۷). ظرفیت‌سنجی توسعه میان‌افزا در حوزه‌های اصلی و فضاهای ساخته شده منطقه دو اهواز. *مطالعات ساختار و کارکرد شهری*، ۵(۱۶)، ۱۲۹-۱۵۲. doi: ۲۰۱۸,۲۰۱۵.shahr/۱۰,۲۲۰۸۰
۳۶. ملک شاهی، غلامرضا؛ لطفی، صدیقه و مهدوی، مهدیه (۱۳۸۹). برنامه‌ریزی راهبردی به‌منظور بهسازی بافت‌های فرسوده شهری (نمونه مورد مطالعه: شهر بابل)، *نشریه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی*، ۳ (۱)، ۱۹۳-۲۰۶
۳۷. موسوی، میرسعید، حبیب، فرح، ماجدی، حمید. (۱۳۹۵). بازشناسی ویژگی‌های کالبدی-فضایی بافت قدیم شهر در ایران. *هویت شهر*، ۱۰(۴)، ۱۹-۲۸.
۳۸. میرمقتدایی، مهتا، رفیعیان، مجتبی و سنگی، الهام، (۱۳۸۹)، تأملی بر مفهوم توسعه میان‌افزا و ضرورت آن در محلات شهری، ماهنامه شهرداری‌ها، ۱۰ (۹۸)، ۵۱
۳۹. نائینی، شکوفه سادات، سهیلی، جمال‌الدین، (۱۳۹۸)، استراتژی ترجیحی طراحی بناهای میان‌افزا در بافت‌های تاریخی از دیدگاه متخصصان معماری، شهرسازی و مرمت، معماری و شهرسازی آرمان‌شهر، شماره ۲۷، تابستان، ۱۱۱-۱۱۸.
۴۰. نوجوان، مهدی؛ محمدی، علی‌اصغر؛ صالحی، اسماعیل؛ (۱۳۹۰)، کاربرد روش‌های تصمیم‌گیری چند معیاره در برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای با تأکید بر روش‌های TOPSIS و SAW، مدیریت شهری و روستایی، ۹(۲۸)، ۲۸۵-۲۹۶
41. Attarian, Koorosh, Safar Ali Najari, Behnaz (2019) “Vernacular and historic underground urban facilities and sustainability of cities case study: Infrastructures of Dez-